

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۷ - ۲۶

## مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی

### Process and Structural Components of religious Identity Based on Islamic Sources

نجیب‌الله نوری / دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی عسگری / استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی

رحیم نارویی نصرتی / استادیار روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدصادق شجاعی / استادیار روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

Najibullah Nuri / PhD of Psychology, IKI.

noori1351@gmail.com

Ali Askari / Assistant Professor of Educational Psychology, KHU.

Rahim Narooie Nusrati / Assistant Professor of Psychology, IKI.

Muhammad Sadiq Shojaie / Assistant Professor of Psychology, MIU.

پرتال جامع علوم انسانی

#### ABSTRACT

The present research aims at identifying the componential structure and process components of religious identity in Islamic sources. To discover the components, the methods of content analysis and linguistic semantic were used in a two-stage process. The content validity of the components was confirmed by some experts in seminary sciences who were specialized in psychology or educational sciences. The findings showed that five components (inquiry, integration, commitment, vigilance, and self-care) can be introduced as the process components for religious identity.

#### چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی ساختار مؤلفه‌ای و مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی از منابع اسلامی است. برای کشف مؤلفه‌ها از روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی در یک طرح دو مرحله‌ای استفاده شد. روایی محتوایی مؤلفه‌ها، توسط کارشناسان علوم حوزوی که در روان‌شناسی یا علوم تربیتی تخصص داشتند، تأیید شد. یافته‌ها نشان داد که پنج مؤلفه جست‌وجویی، یکپارچه‌سازی، تعهد، هشیاری و خودپایی را می‌توان مؤلفه‌های فرایندی هویت

Besides, based on the findings of the research, seven components including beliefs, values, goals, orientations, characteristics, abilities, and vulnerabilities are considered as structural components of religious identity.

**KEYWORDS:** Component Structure, Religious Identity, Process Component, Structural Component, Islamic Sources.

دینی معرفی کرد. همچنین بر پایه یافته‌های این پژوهش هفت مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، صفات، توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی به شمار می‌روند.

**کلیدواژه‌ها:** ساختار مؤلفه‌ای، هویت دینی، مؤلفه فرایندی، مؤلفه ساختاری، منابع اسلامی.

## مقدمه

هویت، یکی از سازه‌های مهم است که فیلسوفان از آن برای تبیین ماهیت انسان و گسترش جهانی‌سازی (همک، ۲۰۱۰<sup>۱</sup>)، سیاستمداران برای حفظ انسجام مردم و جهت‌دادن به اندیشه‌ها (برنشتاین، ۲۰۰۵<sup>۲</sup>)، روان‌شناسان به منظور یافتن معنای زندگی و سلامت روان (واترمن، ۲۰۱۱<sup>۳</sup>)، جامعه‌شناسان برای تبیین نقش‌های اجتماعی، مردم‌شناسان به منظور شناخت فرهنگ‌های مختلف (سرپ<sup>۳</sup> و استریکر، ۲۰۱۱<sup>۴</sup>) و دینداران برای حفظ دینداری مردم استفاده می‌کنند.

نظریه‌پردازان و پژوهشگران هر کدام به تناسب دیدگاه خود تعریف خاصی از هویت ارائه داده‌اند. بر پایه تعریف اریکسون<sup>۵</sup> (۱۹۶۸) هویت عبارت است از: ادراک همسانی و تداوم خود در فضا و زمان به این معنا که فرد در موقعیت‌های مختلف و در طول زمان انسجام و یکپارچگی داشته باشد. از نظر ماریس<sup>۶</sup> (۱۹۹۳)، هویت یک سازمان‌یافتگی پویا از کشنده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی است. برزونسکی<sup>۷</sup> (۲۰۱۱)، هویت را یک ساخت شناختی یا «تئوری خود» می‌داند که از مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، باورها و روان‌بنه‌ها تشکیل یافته و چارچوب مرجع برای انتخاب و تفسیر اطلاعات مربوط به خود را فراهم می‌سازد.

همان‌گونه که در تعریف‌های فوق مشاهده می‌شود، ماهیت هویت از اجزایی مانند باورها، ارزش‌ها و مفروضه‌ها تشکیل می‌شود. اما شکل دادن این عناصر در یک ساخت واحد، نیاز به فرایندهای روان‌شناختی دارد. بنابراین، هویت از دو نوع مؤلفه فرایندی و ساختاری تشکیل یافته است. مؤلفه‌های فرایندی به «چگونگی» هویت مربوط می‌شود و مکانیزم‌های روان‌شناختی هستند که اجزای هویت را به هم پیوند می‌زنند. مؤلفه‌های ساختاری به «چیستی» هویت مربوط می‌شود و متشکل از عناصر و اجزایی است که ساختار آن را به وجود می‌آورد.

1. Hamack, P.L.

2. Bernstein.

3. Serpe, R.T.

4. Stryker, S.

5. Erikson, H.

6. Marcia, J.

7. Berzonesky, M.

8. self-theory

در بخش مؤلفه‌های فرایندی دو مؤلفه فرایندی «جست‌وجوگری»<sup>۱</sup> و «تعهد»<sup>۲</sup> توسط مارسیا (۱۹۶۶) مطرح شد. جست‌وجوگری به معنای رفتار حل مسئله به منظور استخراج اطلاعات درباره خود یا محیط اشاره دارد تا فرد بتواند درباره انتخاب‌های مهم زندگی تصمیم بگیرد (گروتونت، ۱۹۸۷). به بیان دیگر، فرد بتواند گزینه‌های متعدد را درباره یک انتخاب ترتیب دهد (مارسیا، ۱۹۸۰). مؤلفه تعهد به معنای عمل انتخاب یک یا چند گزینه از میان گزینه‌های مختلف، و همچنین به معنای پذیرش مجموعه‌ای از ایده‌آل‌ها، و پایبندی، قصد یا تداوم یک هویت. به بیان دیگر، «تعهد» یعنی تبعیت از مجموعه‌ای اهداف، ارزش‌ها و باورها (مارسیا، ۱۹۸۹).

اما بوسما<sup>۴</sup> (۱۹۸۵)، لویکس<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۸) و کروستی<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۷) جست‌وجوگری را متشکل از دو مؤلفه «جست‌وجو در گستره» و «جست‌وجو در عمق»، و تعهد را شامل دو مؤلفه «ساخت تعهد» و «هماندسازی با تعهد» دانستند. جست‌وجوگر در گستره پیش از انتخاب تعهد و برای شکل دادن و ایجاد آن صورت می‌گیرد اما «جست‌وجو در عمق» پس از انتخاب آن و برای ارزیابی تعهد فعلی صورت می‌گیرد. جست‌وجو در عمق به صورت گردآوری اطلاعات و صحبت با دیگران درباره تعهد فعلی انجام می‌شود. «ساخت تعهد» به انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های مختلف مربوط می‌شود. «هماندسازی با تعهد» به ارزیابی تعهد پس از انتخاب آن برمی‌گردد یعنی فرد تعهد انتخاب شده را با احساس درونی خود تلفیق<sup>۷</sup> می‌سازد همانندسازی با تعهد به میزان اطمینان و قاطعیت فرد به تعهد انتخاب شده مربوط می‌شود و اینکه تعهد برگزیده تا چه اندازه با استانداردها و آرزوهای فرد هماهنگ است (شوارتز، لویکس و کروستی، ۲۰۱۴).

گروتونت (۱۹۸۷) توجه خود را بر فرایندهای مرتبط با جست‌وجوگری متمرکز ساخت و اموری مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، ژرف‌نگری و جهت‌گیری‌هایی مانند سرسختی، مسامحه‌کاری، رغبت و بی‌رغبتی را در فرایند جست‌وجوگری مطرح کرد. کرپل من<sup>۸</sup> و لامکه<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) بازخورد اجتماعی، سازگاری و عدم سازگاری هویت‌ها را فرایندهای سوق‌دهنده یا مانع جست‌وجوگری دانست. کرتینز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۹)، به فرایندهای انتخاب، خودمهارگری، مسئولیت‌پذیری و یکپارچگی در شکل‌دهی هویت توجه کرد. واترمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۲) مؤلفه فرایندی «معنایایی فردی» را مطرح کرده است. بر اساس این مؤلفه، هویت فرد زمانی تحقق می‌یابد که نیروی درونی خود را کشف کند و هویت خود را بر پایه آن تحقق بخشد به گونه‌ای که آن هویت برای او معنای فردی داشته باشد. این مجموعه به عنوان مؤلفه‌ها یا زیر مؤلفه‌های فرایندی هویت مطرح شده است.

1. exploration.

2. commitment.

3. Grotevant, H. D.

4. Bosma, H. A.

5. Luycks, K.

6. Crosti, A.

7. incorporating.

8. Kerpelman, J. L.

9. Lamke, L. K.

10. Kurtiniz, W. M.

11. Waterman, A.

درباره مؤلفه‌های ساختاری هویت که به ماهیت و چیستی آن مربوط می‌شود، اموری مختلفی مطرح شده است؛ برای نمونه، از نظر اریکسون (۱۹۶۸)، باورهای اساسی و بنیادی فرد درباره خود اجزای تشکیل‌دهنده «هویت من» و اهداف، ارزش‌ها، باورها، ترجیحات و انتخاب‌ها اجزای تشکیل‌دهنده «هویت فردی» به شمار می‌رود. جیمز (۱۹۸۰) خود مادی، خود اجتماعی و خود معنوی را اجزای تشکیل‌دهنده خود مفعولی (هویت) می‌داند. مارسیا (۱۹۸۰) باورها، کشاننده‌ها، توانایی‌ها و تاریخچه فردی، و برزونسکی (۲۰۱۱) مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، باورها و روان‌بنه‌ها را اجزای تشکیل‌دهنده هویت می‌داند. واترمن (۲۰۱۴) ارزش‌ها، اهداف و رفتارها، مک‌آدامز (۲۰۱۱) نقش‌ها و صفات، و اسمیتز (۲۰۰۹) انتظارات، هنجارها و استانداردها را از اجزای سازنده هویت می‌داند.

مؤلفه‌های فرایندی و محتوایی که تاکنون مطرح شد، مربوط به هویت به معنای کلی آن است. اما در زمینه هویت دینی با رویکرد روان‌شناسی، پژوهشی توسط کراسکیان موجهاری (۱۳۸۱) بر پایه مدل نظری مارسیا و مبتنی بر مؤلفه‌های جست‌وجوگری و تعهد انجام شده است. در این پژوهش، هویت دینی در پنج حالت منع‌شده، دیررس، موفق، کلیشه‌ای و آشفته مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری شده است.

پژوهش دیگر بر پایه مدل مارسیا توسط بل (۲۰۰۹) انجام شده است که با تکیه بر دو مؤلفه فرایندی جست‌وجوگری و تعهد و مؤلفه‌های ساختاری مانند اعتقادات دینی، ایمان‌های دینی، چه کسی بودن، سبک زندگی دینی، سنت‌های دینی و پذیرش کلیت دین به مفهوم‌سازی و سنجش هویت دینی پرداخته است.

لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳)، هویت دینی را شامل پنج مؤلفه ساختاری اعتقادی، عملکردی، اخلاقی، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه دینی می‌داند. آخوندی (۱۳۸۳)، هویت دینی را مرکب از دو بخش پایبندی نظری و عملی به دین می‌داند. پایبندی نظری از چهار مؤلفه تشکیل شده است: ۱. علاقه‌مندی به اسلام و مذهب؛ ۲. مهم دانستن آگاهی از تاریخ اسلام؛ ۳. احساس رنج از مخدوش شدن اسلام؛ ۴. باور به جایگاه والای اسلام در میان مکاتب دیگر. پایبندی عملی شامل سه مؤلفه است: عضویت و مشارکت در گروه‌ها و مراسم و مناسک مذهبی؛ پایبندی به مقررات و احکام اسلامی و تلاش برای فراگیری متون مذهبی؛ و آشنایی با مروجان دین.

حبی و همکاران (۱۳۸۷) هویت دینی را در قالب پایبندی به برخی از آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی معنا کرده است. حجاب، بخشش، توکل، توجه به رزق حلال، وفای به عهد، توجه به بیت‌المال، صبر در برابر مصائب و انجام دادن تکالیف را از شاخص‌های هویت دینی معرفی کرده است. احسانی (۱۳۹۴)، درباره شاخص‌های رفتاری هویت دینی در بُعد اجتماعی از منظر قرآن کریم پژوهش انجام

داده است. امر به معروف و نهی از منکر، صداقت، اعتدال و میانه‌روی، انفاق، امانتداری و حجاب اسلامی به عنوان شاخص‌های مثبت حداقلی؛ اخوت دینی، تعاون بر خیر و نیکی، تواضع و مشورت به مثابه شاخص‌های مثبت حداکثری؛ همچنین ظلم و ستم، نفاق و فحشاء در زمره شاخص‌های منفی حداقلی و غیبت، دشنام و استهزاء از شاخص‌های سلبی حداکثری هویت دینی در بعد اجتماعی از منظر قرآن معرفی شده است.

مرور پژوهش‌های هویت دینی نشان می‌دهد که برخی از آنها بر مبنای مدل نظری ماریسا انجام شده است و مفهوم‌سازی خاصی از هویت به معنای دینی آن انجام نشده است. برخی پژوهش‌ها پایبندی نظری و عملی یا صرفاً پایبندی عملی به آموزه‌های دین اسلام را ماهیت هویت دینی دانسته‌اند. در این پژوهش‌ها، به مؤلفه‌های فرایندی هویت توجه نشده است و گویا تنها پایبندی (تعهد) را مؤلفه مؤثر در هویت دینی در نظر گرفته‌اند. اگر پایبندی تنها مؤلفه مؤثر در فرایند هویت‌یابی باشد، می‌توان همه این پژوهش‌ها را متأثر از نظریه ماریسا دانست؛ زیرا او تعهد را به صورت جدی در بحث هویت مطرح ساخت. علاوه بر آن، در پژوهش‌های انجام شده مفهوم‌سازی نظری از هویت دینی ارائه نشده است. اما این پژوهش، بر پایه مفهوم‌سازی نظری هویت در منابع اسلامی انجام شده است (نوری، عسکری، نارویی نصرتی و شجاعی، ۱۳۹۵). در این مفهوم‌سازی، «معرفت نفس» به عنوان معادل مفهومی هویت مطرح شده است و مؤلفه‌های ساختاری آن از منابع دینی به دست آمده است. از این‌رو، پژوهش حاضر به منظور درک ماهیت و ساختار هویت دینی، به این دو پرسش پاسخ می‌دهد که مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی چیست؟ و مؤلفه‌های ساختاری هویت بر پایه منابع اسلامی از چه عناصری تشکیل شده است؟

## روش پژوهش

در این پژوهش، از روش‌های تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی استفاده شد. تحلیل محتوا دربر گیرنده تحلیل محتوای یک سخنرانی، پیام، مقاله، عقاید، احساسات و نظرهاست (جعفری‌هرندی، نصر و میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۷) و کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و کلیه اجزای مطرح شده در قالب یک متن بررسی شود (شعبانی، ۱۳۸۰). روش معناشناسی زبانی برای فهم معنا در مطالعات زبانی به کار می‌رود، و بر دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا استوار است (لیونز، ۲۰۰۹).

تحلیل مؤلفه‌ای به ارتباط بین مفاهیم از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد و معناشناسی ساخت‌گرا از طریق هم‌معنایی (دو واژه برای یک معنا)، چندمعنایی (چند معنا برای یک واژه)، تقابل معنایی (واژه‌های متضاد)، حوزه واژگانی (تشکیل یک حوزه معنایی به دلیل جنبه‌های مشترک)، انتقال واژگانی (گرفتن معنای واژه‌های دیگر در اثر هم‌نشینی با آنها)، هم‌آبی معنایی (رابطه معنایی واژه‌ها در سطح جمله) و شمول معنایی (فراگیر بودن معنای یک واژه نسبت به واژه دیگر) امکان فهم و انتقال معنا را فراهم می‌سازد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳).

بر پایه این دو روش، مفاهیم مرتبط با هویت (با توجه به معادل مفهومی معرفت نفس) از منابع اسلامی در چهار مرحله مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله نخست، مفاهیم مرتبط گردآوری شد. برای نمونه مفاهیم تعقل، تدبر، تفکر، سؤال، تحقیق در اصول دین، کسب علم و تفقه در دین گردآوری شد. در مرحله دوم، معنا و تعریف هر یک از این مفاهیم از لغت‌نامه‌ها، منابع اسلامی و آثار دانشمندان مشخص شد. در مرحله سوم، مفاهیم گردآوری شده با توجه با قرابت معنایی کنار هم قرار گرفتند و از مجموع آنها یک مؤلفه استخراج گردید. در مرحله چهارم، مؤلفه به دست آمده همراه با مفاهیم تشکیل‌دهنده آن در اختیار کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی یا علوم تربیتی قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا دیدگاه خود را درباره‌ی روایی محتوایی مؤلفه‌ها در یک مقیاس ۱ تا ۱۰ مشخص نمایند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان (n=۹)

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد
رتبه علمی			رشته تحصیلی		
دانشیار	۲	۲۲/۲	روان‌شناسی	۷	۷۷/۸
استادیار	۷	۷۷/۸	علوم تربیتی	۲	۲۲/۲
تحصیلات حوزوی			تحصیل دانشگاهی		
خارج	۹	۱۰۰	دکتری	۹	۱۰۰

داده‌های مربوط به روایی محتوایی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد و از مشخصه‌های آمار توصیفی به منظور بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان، و نیز متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد. ضریب اعتبار پرسش‌نامه از طریق ضریب همبستگی درون طبقه‌ای و نیز فرمول کلی آلفای کرونباخ برآورد شد.

### یافته‌های پژوهش

این پژوهش، برای پاسخ به این پرسش که مؤلفه‌های فرایندی هویت چیست و هویت چگونه شکل

می‌گیرد، به این نتیجه دست یافته است که هویت بر پایه منابع اسلامی متکی بر پنج مؤلفه فرایندی است. تعریف این مؤلفه‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی بر پایه منابع اسلامی

ردیف	مؤلفه	تعریف
۱	جست‌وجوگری	کاوش، بررسی و تحقیق در مسائل مربوط به هویت از طریق مطالعه، پرسش‌گری، گفت‌وگو و تفکر درباره عناصر هویت
۲	یکپارچه‌سازی	تلاش شناختی فرد جهت ایجاد همخوانی و هماهنگی بین عناصر هویت به گونه‌ای که باورها، ارزش‌ها و اهداف فرد با یکدیگر در یک ساخت واحد با هم متحد شود
۳	تعهد	میزان پذیرش، پایبندی و سرمایه‌گذاری فرد بر عناصر یک هویت
۴	هشیاری	توجه و آگاهی نسبت به اجزای هویت به گونه‌ای که فرد هدف‌ها، باورها، ارزش‌ها، توانمندی‌ها و آسیب‌های خویش را از یاد نبرد و نسبت به آنها غافل نشود
۵	خودپایی	خودپایی به تلاش عملی و مداوم فرد جهت تحقق هویت اشاره دارد که بر پایه آن فرد به مراقبت، نظارت، کنترل، جهت‌بخشی و تنظیم خویش بپردازد

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نخستین مؤلفه فرایندی برای شکل‌دهی هویت جست‌وجوگری است. هر فردی که بخواهد به هویت منسجم، پایدار و سازمان‌یافته دست یابد، نیازمند جست‌وجو، کاوش، تفحص، تفکر و تعقل در زمینه عناصر هویت است. مؤلفه دوم یکپارچه‌سازی است، یعنی پس از جست‌وجوگری لازم است فرد عناصر هویت را با یکدیگر، یکپارچه و منسجم نماید و تعارض‌های آنها را برطرف سازد. برای نمونه، بین عقاید دینی و باورهای اجتماعی و خانوادگی فرد و همچنین بین رفتارها و باورهای او تعارض نباشد. برای شکل دادن هویت یکپارچه برطرف ساختن این ناهمخوانی‌ها ضروری به نظر می‌رسد. مؤلفه سوم، تعهد است که بر پایه آن فرد پس از جست‌وجو و بررسی و برطرف کردن تضادها و تعارض‌ها نسبت به باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی پایبندی، تعهد، پذیرش، تسلیم و التزام نشان دهد. مؤلفه چهارم، به یک هشیاری نسبتاً مداوم اشاره دارد به این معنا که فرد در موقعیت‌های مختلف و در طول زمان، باورها، ارزش‌ها و اهداف خود را از یاد نبرد؛ زیرا اگر فرد اهداف خود را فراموش کند یا باورهای خود در موقعیت‌های مختلف از یاد ببرد. نمی‌تواند نسبت به آن هویت پایدار باشد. بر پایه مؤلفه پنجم، فرد در عمل به تحقق خود در چارچوب آن هویت اقدام کند یعنی پیوسته با تلاش و کوشش آن هویت را در خود متحقق سازد و آن را درونی‌سازی نموده و شکل دهد.

به منظور اطمینان از روایی محتوایی، مؤلفه‌ها در قالب یک فرم سنجش در اختیار کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آنان خواسته شد، با توجه به مفاهیم ارائه شده از منابع

اسلامی میزان مناسبت این مؤلفه‌ها را در یک مقیاس ده درجه‌ای مشخص سازند. نتایج نظر کارشناسان در جدول ۳ مطرح شده است.

جدول ۳. روایی محتوایی مؤلفه‌های فرابندی

ردیف	مؤلفه	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	CVR	CVI
۱	جست‌وجوگری	۸/۴۴	۹	۶	۱۰	۰/۷۸	۰/۸۸
۲	یکپارچه‌سازی	۷/۷۸	۸	۴	۱۰	۰/۷۸	۰/۸۸
۳	تعهد	۹/۶۷	۱۰	۹	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۴	هشیاری	۸/۳۳	۹	۵	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۵	خودپایی	۹/۰۰	۱۰	۷	۱۰	۰/۷۸	۰/۸۸

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، پنج مؤلفه فرابندی هویت از دیدگاه کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته است. نمره میانه ۸ تا ۱۰ نشان می‌دهد که بیشتر کارشناسان این مؤلفه‌ها را تأیید کرده‌اند. «ضریب نسبی روایی محتوا (CVR)» و «شاخص روایی محتوا (CVI)» برای هر مؤلفه محاسبه شد. از آنجاکه تمامی ۹ کارشناس به دو مؤلفه تعهد و هشیاری نمره بالای هشت داده بودند، ضریب‌های مذکور برابر با ۰/۱۰۰ به دست آمد. اما در سه مؤلفه جست‌وجوگری، یکپارچه‌سازی و خودپایی ۸ کارشناس از میان ۹ نفر نمره بالای هشت داده بودند، از این رو شاخص روایی محتوایی در آنها برابر با ۰/۸۸ و ضریب نسبی روایی محتوا برابر با ۰/۷۸ به دست آمد که با ضریب موجود در جدول استاندارد برابر است. ضریب استاندارد در جدول CVR برای ۹ داور برابر با ۰/۷۸ است، پس روایی محتوایی این مؤلفه‌ها تأیید می‌شود.

پرسش دوم این پژوهش، این است که مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی چیست؟ به بیان دیگر، زمانی که از جست‌وجوگری، تعهد و هشیاری صحبت می‌کنیم، این پرسش به وجود می‌آید که فرد برای شکل دادن هویت خود چه چیزی را جست‌وجو کند، به چه عنصری متعهد شود و چه مقوله‌ای را در هشیاری خود حفظ کند. این عناصر و مؤلفه‌ها که جست‌وجو و تعهد در مورد آنها انجام می‌شود، مؤلفه‌های ساختاری هویت نامیده می‌شوند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت دینی از هفت مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، صفات، توانمندی‌ها و نقاط ضعف تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها به ماهیت و چیستی هویت دینی مربوط می‌شود. عناوین و تعریف‌های مؤلفه‌های ساختاری در جدول ۴ ارائه شده است.



جدول ۴. مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی

ردیف	مؤلفه	تعریف
۱	باورها	گزاره‌های مورد قبول فرد درباره خود، خدا و جهان که در الهیات با عنوان عقاید شناخته می‌شود
۲	ارزش‌ها	معیارها و اصولی که اعمال فرد بر پایه آنها به صورت خوب و بد یا باید و نباید ارزشیابی می‌گردد
۳	اهداف	آرمان‌ها و نتایجی که پیش از فعالیت مد نظر قرار می‌گیرد و اعمال فرد برای رسیدن به آن سوق داده می‌شود
۴	گرایش‌ها	کشش‌ها، امیال، انگیزه‌ها و هیجان‌های فردی و نوعی
۵	صفات	صفات اخلاقی مثبت و منفی و صفات نوعی و عمومی فرد
۶	توانمندی‌ها	درک توانایی‌ها و ظرفیت‌های نوعی، مهارت‌ها، دانش و استعدادها و ویژه فرد
۷	آسیب‌پذیری‌ها	کاستی‌های موجود در خلقت انسان، ضعف‌های او در برابر خداوند، رشد ناپافتگی اخلاقی، ضعف‌های فیزیکی، مهارتی، دانشی و رفتاری فرد

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، ساختار هویت دینی از هفت عنصر اساسی شکل می‌یابد. نخستین مؤلفه باورها است، تا زمانی که باورها عقاید فرد یا گروه مشخص نشود نمی‌توان به هویت او پی برد. مؤلفه دوم، ارزش‌ها است که باید‌ها و نبایدهای زندگی فرد را شکل می‌دهد بدون شناخت ارزش‌ها نمی‌توان هویت فرد را شناخت. مؤلفه سوم اهداف است، تا زمانی که هدف خلقت از نظر فرد، اهداف کوتاه و بلندمدت زندگی او روشن نشود، هویت او نامشخص خواهد بود. مؤلفه چهارم گرایش‌ها است، که بر پایه تمایل‌ها، انگیزه‌ها و هیجان‌های فرد روشن می‌شود بدون روشن شدن آنها نمی‌توان هویت او را شناخت. مؤلفه پنجم، صفات و ویژگی‌های فرد است. این ویژگی‌ها چه عمومی باشد یا اخلاقی، نشان‌دهنده هویت فرد خواهد بود. مؤلفه ششم و هفتم، نقاط قوت و ضعف فرد است که نقش اساسی در شناخت هویت فرد دارد.

به منظور اطمینان از روایی محتوایی، این مؤلفه‌ها به همراه مستندات دینی آنها به صورت یک پرسش‌نامه در اختیار کارشناسان حوزوی و روان‌شناسی یا علوم تربیتی قرار گرفت تا دیدگاه خود را در یک مقیاس ده درجه‌ای مشخص سازند. نظر کارشناسان در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مشخصه‌های آمار توصیفی درجه‌بندی متخصصان برای میزان مناسبت مؤلفه‌های هویت دینی

ردیف	مؤلفه	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	CVR	CVI
۱	باورها	۹/۶۷	۱۰	۹	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۲	ارزش‌ها	۹/۳۳	۱۰	۸	۱۰	۰/۸۷	۰/۸۸
۳	اهداف	۸/۸۹	۹	۶	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۴	گرایش‌ها	۸/۶۷	۹	۷	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۵	صفات	۸/۵۶	۹	۷	۱۰	۰/۸۷	۰/۸۸
۶	توانمندی‌ها	۷/۵۶	۸	۲	۹	۰/۸۷	۰/۸۸
۷	آسیب‌پذیری‌ها	۷/۷۸	۸	۴	۱۰	۰/۸۷	۰/۸۸

با توجه به جدول ۵، بر پایه نظر متخصصان و با در نظر گرفتن نمره میانه، هفت مؤلفه ساختاری هویت دینی نمره لازم را کسب کرده‌اند. ضریب نسبی روایی محتوا نشان می‌دهد که همگی مؤلفه‌ها ضریب  $0/78$  یا بزرگتر به دست آورده است. این عدد با ضریب موجود در جدول استاندارد CVR یعنی عدد  $0/78$  برابر است. همچنین نمره شاخص روایی محتوا نیز در حد قابل قبول است. از این رو روایی محتوایی این مؤلفه‌ها تأیید می‌شود.

ضریب همبستگی درون طبقه‌ای در این درجه‌بندی برابر با  $0/32$  به دست آمده است که نشان می‌دهد همگونی نمره‌ها در یک درجه‌بندی کننده از نظر آماری معنادار است. ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط برابر با  $0/88$  و از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد بین متخصصان حاضر سطح قابل قبولی از همگونی درونی وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، به منظور دستیابی به ساختار هویت دینی بر پایه منابع اسلامی به پنج مؤلفه فرایندی و هفت مؤلفه ساختاری دست یافته است. شواهد متعددی در منابع اسلامی نقش این مؤلفه‌ها را در شکل دادن به هویت دینی نشان می‌دهد. در زیر شواهد مربوط به هر مؤلفه از منابع اسلامی ارائه شده است. مؤلفه جست‌وجوگری به معنای کاوش، بررسی و تحقیق در مسائل مربوط به هویت است. جست‌وجوگری شامل مطالعه، تحقیق، پرسش‌گری، گفت‌وگو و تفکر درباره هویت است. فردی که هویت خود را شکل می‌دهد، نخست در زمینه باورهای پذیرفته و باورهای مخالف آن به تحقیق و جست‌وجو می‌پردازد. قرآن کریم به افراد دستور می‌دهد که برای رفع تردیدهای خود در مورد حقانیت دین از اهل ذکر سؤال کنید (نحل: ۴۳). یعنی سؤال کردن در مورد انتخاب دین و شکل دادن هویت دینی وارد شده است. قرآن دستور می‌دهد اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع بپرسید (انبیاء: ۷). در زمینه مسائل دینی، بهترین مصداق «اهل ذکر» اهل بیت علیهم‌السلام پیامبرند. و روایات زیادی از طریق شیعه و سنی به این مضمون وارد شده که در جلد سوم ملحقات احقاق الحق، صفحه ۴۸۲ به بعد نقل شده است. طبری، ابن کثیر و آلوسی نیز در تفاسیرشان، ذیل این آیه، اهل ذکر را اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی کرده‌اند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶ ص ۳۹۸). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «سؤال مناسب نصف علم است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۴). امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «علم خزانگی دارد که کلید آنها پرسیدن است، پس بپرسید رحمت خدا شامل حال شما می‌شود، زیرا چهار شخص اجر دارد؛ سؤال کننده، گوینده، شنونده و دوست‌دار آنها»

(مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۶). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مردم هلاک می‌شوند، به دلیل اینکه نمی‌پرسند. علم قفلی دارد که کلید آن سؤال کردن است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

کسب اطلاعات از طریق آموزش نیز جست‌وجوگری گفته می‌شود. در منابع دینی، آموختن مسائل دینی را واجب می‌داند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۰). شواهد متعدد در منابع دینی وجود دارد که آموختن مسائل دینی و تفقه در آن را لازم می‌داند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «کمال دین در کسب علم و عمل به آن است و آموختن علم واجب‌تر از به دست آوردن مال است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۰). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بالاترین کمال تفقه در دین است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۱). امام صادق علیه السلام: «هر کس در مورد دین تفقه نکند، اعرابی است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۱). همچنین امام صادق علیه السلام: «نجات به دست نمی‌آید مگر با طاعت و طاعت حاصل نمی‌شود مگر با علم و علم به دست نمی‌آید مگر با آموختن» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله: «کسی که یک ساعت خواری آموختن را تحمل نمی‌کند، باید تا ابد خواری جهل را تحمل کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۷). پرسیده شد، ای فرزند عبدالمطلب چه چیزی علم را افزایش می‌دهد، گفت آموختن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵). هر چند این توصیه‌ها عمومی است اما از باب پیاده کردن معنای کلی در مصداق جزئی می‌توانیم در بحث هویت و بخصوص هویت دینی از آنها استفاده کنیم. از مجموع این آموزه‌ها و آموزه‌های دیگر در زمینه تأمل، تفکر و تعقل به این نتیجه می‌رسیم که جست‌وجوگری یکی از مؤلفه‌های فرایندی جهت شکل‌دادن به هویت است.

یافته این پژوهش، با دیدگاه‌های روان‌شناسان مختلف هماهنگ است. زیرا جست‌وجوگری برای نخستین بار توسط مارسیا (۱۹۶۶) به عنوان یک مؤلفه فرایندی مطرح شد و نظریه‌پردازان و پژوهشگران دیگر (برای نمونه برزونسکی، ۱۹۸۷؛ گروتونت،<sup>۱</sup> ۱۹۸۷؛ بوسما،<sup>۲</sup> ۱۹۸۵؛ کروستی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ لویکس، شوارتز<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۸، دوران و همکاران، ۱۳۹۰) آن را به عنوان یک مؤلفه فرایندی پذیرفته‌اند.

مؤلفه یکپارچه‌سازی به تلاش شناختی فرد جهت ایجاد همخوانی و هماهنگی بین «عناصر خود» اشاره دارد. بر پایه یکپارچه‌سازی، فرد باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، توانمندی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها، هدف‌ها، امور فطری و تلاش‌های خود را با یکدیگر مورد بازبینی قرار می‌دهد و آنها را در یک ساخت واحد با هم تلفیق می‌کند. در منابع اسلامی تأکید شده است که گفتار و رفتار فرد هماهنگ باشد. قرآن

کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنانی می‌گویید که بدان عمل نمی‌کنید» (صف: ۲). این نشان می‌دهد که بین گفته‌ها و رفتارهای فرد باید هماهنگی وجود داشته باشد تا هویت دینی در او شکل گیرد. همچنین قرآن کریم بنی‌اسرائیل را به خاطر پذیرش برخی آموزه‌های دین و انکار برخی دیگر مورد سرزنش قرار می‌دهد، «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ» (بقره: ۸۵). این نشان می‌دهد که برای داشتن هویت دینی هماهنگی باورها و عدم تضاد بین آنها ضروری است.

علاوه بر آن، در منابع اسلامی بر هماهنگی علم و عمل بسیار تأکید شده است؛ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «عالمی که برخلاف علمش عمل کند، به نادان سرگشته‌ای می‌ماند که از مستی نادانی‌اش به هوش نیاید، بلکه حجت بر چنین عالمی بزرگتر است و حسرتش بیشتر باشد و در پیشگاه خداوند، بیشتر سرزنش شود» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خ ۱۱۰). این گونه روایات نشان می‌دهد که اگر اطلاعات و دانش فرد در زمینه هویت به عمل منتهی نشود یا به بیان دیگر، علم و عمل تبدیل به یک ساخت واحد نشود، هویت شکل نمی‌گیرد. اضافه بر آموزه‌های ذکر شده، در منابع اسلامی تأکید شده است که رفتارهای سری و علنی فرد هماهنگ و هم‌نوا باشد. همچنین امام علی علیه السلام فرمودند: «احْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ، وَيُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ»؛ از هر کاری که در نهان انجام می‌شود و در آشکار از انجام آن شرم می‌شود، دوری کن (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۹). این نشان می‌دهد که کارهای مخفیانه و پشت‌پرده فرد نباید با کارهای آشکار و علنی او در تضاد و تعارض باشد. از مجموع این آموزه‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که ایجاد هماهنگی بین جنبه‌های مختلف هویت دینی یکی از مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود. به گونه‌ای که تمام عناصر هویت در یک ساخت واحد منسجم و هماهنگ شود در این صورت می‌توان گفت هویت دینی در فرد شکل گرفته است.

با اینکه اریکسون (۱۹۶۸) هویت را ترکیب همانندسازی‌های گذشته با اهداف و ارزش‌های آینده دانست و مارسیا (۱۹۸۰) هویت را سازمان‌یافتگی معنا کرد و برزونسکی (۲۰۱۱) هویت تئوری و تعریف خود تعریف کرد، اما فرایند یکپارچه‌سازی به عنوان یک مؤلفه در پژوهش‌های آنان مطرح نشده است. از این نظر یافته این پژوهش، با یافته‌های دیگر تفاوت دارد.

مؤلفه تعهد به میزان پذیرش، پایداری و سرمایه‌گذاری فرد بر یک هویت اشاره دارد. پس از آنکه فرد در مراحل قبلی به جست‌وجو در زمینه هویت پرداخت و اطلاعات لازم را به دست آورد و سپس بخش‌های مختلف هویت را یکپارچه ساخت از تناقض و تضاد خارج شد، به مرحله پایداری می‌رسد. مؤلفه تعهد را می‌توان از آموزه «ایمان» در مفاهیم دینی به دست آورد. هویت دینی زمانی در فرد

شکل می‌گیرد که نسبت به باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی ایمان داشته باشد.

ایمان را به معنای تصدیق و راست شمردن (شهیدثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰)، اذعان و قبول (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰)، اقرار و تسلیم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴)، عقدالقلب (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۲؛ ج ۶۵ ص ۲۹۱)، معرفه‌القلب (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، صفحات ۲۲۸، ۳۵۶، ۳۶۶ و ج ۶۵ ص ۲۷۳) و تصدیق بالقلب (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۵ ص ۲۷۳) یا تصدیق بالجنان (محدث‌نوری، ج ۱۱، ص ۱۴۳)، اقرار، معرفت، عقد، رضا، تسلیم، ذکر، تفکر و انقیاد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶ ص ۷۳؛ ج ۹۰، ص ۴۹)، در روایت دیگر شش جزء اقرار، معرفت، تصدیق، تسلیم، عقد و رضا برای بخش قلبی ایمان ذکر شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۹). اما در شش روایت دیگر، پنج جزء اقرار، معرفت، عقد، رضا و تسلیم به عنوان اجزای قلبی ایمان ذکر شده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۶۴؛ محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶ ص ۲۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۷؛ تمیمی‌مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴).

بنابراین، زمانی هویت دینی در فرد شکل می‌گیرد که آموزه‌های دینی را تصدیق کند و نزول آنها را از طرف خداوند راست بداند و آنها را در قلب و درون خود بپذیرد و قبول کند و نسبت به انجام آنها تسلیم باشد. یافته این پژوهش، در مورد تعهد با یافته‌های دیگر هماهنگ است و تعهد به عنوان یک مؤلفه فرایندی توسط ماریسا (۱۹۶۶) مطرح شد و صاحب‌نظران و محققان مختلف از جمله برزونسکی (۱۹۸۷)، گروتونت (۱۹۸۷) بوسما (۱۹۸۵)، کروستی و همکاران (۲۰۰۷)، لویکس، شوارتز و همکاران (۲۰۰۸) و دوران و همکاران (۱۳۹۰) آن را به عنوان یک مؤلفه فرایندی پذیرفته‌اند.

مؤلفه هشیاری به توجه، آگاهی و عدم غفلت فرد نسبت به اجزای هویت اشاره دارد. بر پایه این مؤلفه، فرد نسبت به هدف‌ها، باورها، ارزش‌ها، توانمندی‌ها، آسیب‌پذیری و صفات خویشت هشیار است و آنها را از یاد نمی‌برد و غافل نمی‌شود. این مؤلفه از اصطلاحات علم حضوری به خود، فراموش نکردن خود (حشر: ۱۹)، غافل نشدن از خود (اعراف: ۲۰۵)، یاد خدا و فراموش نکردن خالق خود (احزاب: ۴۱)، به خاطر داشتن مرگ (آل عمران: ۱۸۵) یاد آخرت (کلینی، ۱۳۶۵)، معرفت شهودی به کمال و گرایش‌های فطری (مصباح، ۱۳۹۱)، اطلاع‌یافتن از استعدادها و توانایی‌ها (طباطبائی، ۱۴۱۷ق)، توجه به عیب‌ها و کاستی‌های خود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷) و به یاد داشتن نعمت‌ها و امکانات (مائده: ۱۱؛ فاطر: ۳) اقتباس شده است. یافته این پژوهش با تحقیقات دیگر متفاوت است؛

زیرا هشیاری نسبت به عناصر هویت در نظریات و پژوهش‌های دیگر به عنوان یک مؤلفه مطرح نشده است. اما بر پایه منابع اسلامی و تأکید زیاد بر ذکر و عدم غفلت می‌توان آن را به عنوان یک مؤلفه فرایندی در نظر گرفت.

مؤلفه خودپایی به تلاش عملی و مداوم فرد جهت تحقق خود اشاره دارد که بر پایه آن فرد به مراقبت، نظارت، کنترل، جهت‌بخشی و تنظیم خویش می‌پردازد. در منابع اسلامی، آموزه‌های تزکیه نفس (شمس: ۹)، جهاد نفس (کلینی، ۱۳۶۵) ریاضت نفس (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.)، محاسبه نفس (صدوق، ۱۴۱۳ق.) به این مؤلفه مربوط می‌شود و در چارچوب معرفت نفس از اصطلاحات زیر اقتباس شده است؛ شکوفایی استعدادها (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷)، تحقق خویش (مولوی، ۱۳۹۲)، خودسازی (مصباح، ۱۳۸۲)، تزکیه نفس (طبرسی، ۱۳۷۲)، تهذیب نفس (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.)، ریاضت نفس (موسوی خمینی، ۱۳۷۸)، افزایش مرتبه وجودی (محدث بندری، ۱۳۷۶)، دیدن حقیقت و رسیدن به ذات حق (ملکی تبریزی، ۱۳۷۸). یافته این پژوهش با تحقیقات دیگر متفاوت است به این معنا که هر چند مفهوم خودنظم‌بخشی در روان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است، اما به عنوان یک مؤلفه هویت دینی به آن توجه نشده است. اما تأکید منابع اسلامی بر تذکیه و تهذیب و نقش آن در هویت دینی ایجاب می‌کند که به عنوان یک مؤلفه در نظر گرفته شود.

مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی: مؤلفه‌های ساختاری محتوا و ماهیت هویت دینی را شکل می‌دهد و عناصری در نظر گرفته می‌شود که مؤلفه‌های فرایندی در جهت ساختاربخشی و انسجام‌سازی آنها عمل می‌کند. شواهد موجود در منابع اسلامی برای هر کدام از مؤلفه‌های ساختاری ارائه شده است.

مؤلفه باورها به گزاره‌های مورد قبول فرد درباره خود، خدا و جهان اشاره دارد. چنین گزاره‌هایی که در الهیات با عنوان عقاید شناخته می‌شود، اگر با پذیرش مبتنی بر شناخت و گرایش عاطفی همراه گردد، باور نامیده می‌شود. باور به خدای واحد (عنکبوت: ۴۶)، جهان هدفمند (مؤمنون: ۱۱۵)، زندگی پس از مرگ (شوری: ۲۰)، رسالت پیامبر (فتح: ۲۹)، مسئول بودن انسان (نساء: ۱۱۱)، باور به حقانیت دین (روم: ۳۰)، جهان کشت‌گاه آخرت (مجلسی، ۱۴۰۴ق.) و انواع باورهای دینی می‌توانند هویت‌های مختلف را رقم زنند. این یافته با نظریات و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است؛ زیرا اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، برزونسکی (۱۹۸۹، ۲۰۱۱)، واترمن (۲۰۱۴)، مک‌آدامز (۱۹۸۵، ۲۰۱۱)، بل (۲۰۰۹)، سوول (۲۰۱۰)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، ویگنولز و همکاران (۲۰۱۱) باورها را از مؤلفه‌های ساختاری هویت شمرده‌اند.

مؤلفه ارزش‌ها به معیارها، استانداردها و اصولی اشاره دارد که اعمال فرد بر پایه آنها و به صورت خوب و بد یا باید و نباید ارزشیابی می‌شود. مؤلفه ارزش‌ها، از اهمیت ارزش‌های اخلاقی در اسلام، تعبیرهای حسن خلق (کلینی، ۱۳۶۵)، خلق عظیم (قلم: ۴)، مکارم اخلاق (کلینی، ۱۳۶۵)، ملکات فاضله و رذیله، حالات پسندیده و ناپسند و حسن و قبح عقلی اقتباس شده است. افراد بر پایه میزان برخورداری از ارزش‌های اخلاقی در سطوح مختلف هویت دینی قرار می‌گیرند و همچنین بر حسب اینکه ارزش‌های خود را از دین بگیرد یا از منابع دیگر هویت متفاوت پیدا می‌کنند. این یافته با نظریات و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است؛ زیرا اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، سول (۱۹۹۹)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، سوول (۲۰۱۰)، هاردی و کارلو (۲۰۱۱)، مک‌آدامز (۲۰۱۱)، برزونسکی (۲۰۱۱) و واترمن (۲۰۱۴) ارزش‌ها را از مؤلفه‌های هویت دانسته‌اند.

مؤلفه اهداف، به ایده‌ها، آرمان‌ها و نتایجی اشاره دارد که فرد پیش از انجام فعالیت آن را در نظر می‌گیرد و اعمال خویش را در جهت رسیدن به آن سوق می‌دهد. در منابع اسلامی موارد زیر به عنوان هدف خلقت در نظر گرفته شده است: پرستش (ذاریات: ۵۶)، امتحان و آزمایش افراد از نظر اعمال (ملک: ۲)، احاطه قدرت و علم خداوند (طلاق: ۱۲)، مختلف بودن افراد (هود: ۱۱۹). همچنین یافتن هدف با عنوان کدام سو (الی‌این) (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱)، مقصد (موصول)، به چه منظوری (لأی‌شیء هاهنا) و حرکت به سوی چیزی (و الی ما هو صایر آلیه)، (کلینی، ۱۳۶۵)، محل بازگشت خود (ماتعود آلیه) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق)، در منابع مطرح شده است. افرادی که هدف زندگی خود را مطابق دین انتخاب می‌کنند هویت متفاوت از دیگران دارند. همچنین، میزان هماهنگی اهداف فرد با آموزه‌های دینی سطوح مختلف هویت دینی را رقم می‌زند. این یافته با دیدگاه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است. برای نمونه اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، سول (۱۹۹۹)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیتز (۲۰۰۹)، برزونسکی (۲۰۱۱)، مک‌آدامز (۲۰۱۱)، هاردی و کارلو (۲۰۱۱) و واترمن (۲۰۱۴) اهداف را یکی از مؤلفه‌های ساختاری هویت در نظر گرفته‌اند.

مؤلفه گرایش‌ها، به کشش‌ها، امیال، انگیزه‌ها و هیجان‌های فردی و نوعی اشاره دارد. نوع گرایش‌های فرد مثل محبت به اموال یا محبت خدا (توبه: ۲۴)، علاقه به افراد مؤمن (کلینی، ۱۳۶۵)، میل به مشرکین (آل عمران: ۲۸)، ترس از خدا یا ترس از مردم (احزاب: ۳۹)، هیجانات، امیال فطری، غریز، احساسات، عواطف، انگیزه‌ها، نیازها، خواست‌ها، کشش‌های درونی در تعیین هویت فرد نقش

دارند. گرایش‌های فرد می‌تواند هویت دینی را از غیردینی و سطوح مختلف هویت دینی را متمایز سازد. این یافته با پژوهش‌های روان‌شناسی همخوانی دارد، زیرا مارسیا (۱۹۸۰)، سول (۱۹۹۹)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، ویگنولز و همکاران (۲۰۱۱)، مک‌آدامز (۲۰۱۱) و بل (۲۰۱۳) از گرایش‌ها به عنوان یک مؤلفه ساختاری هویت نام برده‌اند.

مؤلفه صفات به ویژگی‌های اخلاقی مثبت و منفی و صفات عمومی فرد اشاره دارد. در منابع اسلامی هویت ایمانی دارای صفاتی (مؤمنون: ۱۰-۱)، و هویت تقوایی مشتمل بر صفاتی (سیدرضی، ۱۳۷۲) معرفی شده‌اند که متفاوت از صفات منافقین (توبه: ۶۷) و کافرین هستند (نحل: ۱۰۷-۱۰۴). هویت این گروه‌ها بر پایه ویژگی‌ها و صفات آنها متمایز شده است. کلیدواژه‌های ملکات فاضله و ردیله و صفات نفسانی به ویژگی‌های پایدار اشاره دارند. صفات مختلف می‌توانند هویت‌های مختلف را شکل دهند. بر پایه میزان همخوانی صفات افراد با آموزه‌های دینی سطوح مختلف هویت دینی شکل می‌گیرد. این یافته با اندیشه‌های ویلیام جیمز (۱۸۹۰)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیتز (۲۰۰۹) و مک‌آدامز (۱۹۸۵، ۲۰۱۱) همخوانی دارد.

مؤلفه توانمندی‌ها به درک توانایی‌ها و ظرفیت‌های نوعی، مهارت‌ها، دانش و استعدادها ویژه فرد اشاره دارد. این مؤلفه از آموزه‌های ناظر به کمال‌پذیری نامحدود انسان و توانایی رسیدن به فرشتگان (بقره: ۳۱)، مراتب عقل (مجلسی، ۱۴۰۵ق)، قرار داشتن عالم بزرگتر در درون انسان (مجلسی، ۱۴۰۶ق)، در نظر گرفتن انسان‌ها به صورت معادن (کلینی، ۱۳۶۵)، قوای نفس، استعدادها و رسالت انبیاء به عنوان شکوفاسازی استعدادهای انسان، اقتباس شده است. افراد بر اساس میزان آگاهی و شکوفایی استعدادهای خود در سطوح مختلف هویت دینی قرار می‌گیرند و هویت دینی از غیردینی متمایز می‌شود. این یافته با دیدگاه‌ها و پژوهش‌های دیگر همخوانی ندارد و در پژوهش‌های دیگر، توانمندی‌ها به عنوان یک مؤلفه مطرح نشده است.

مؤلفه آسیب‌پذیری، به آگاهی از کاستی‌های موجود در خلقت انسان، ضعف‌های او در برابر خداوند، رشد نیافتگی اخلاقی، ضعف‌های فیزیکی، مهارتی، دانشی و رفتاری اشاره دارد. این مؤلفه، از آموزه‌های خلقت ضعیف انسان (نساء: ۲۸)، آسیب‌پذیری انسان در برابر هوس‌ها و شهوات (نساء: ۲۷)، آسیب‌پذیری انسان در برابر شیطان (مائده: ۹۱)، فراموشکاری، بیماری، مرگ، ناتوانی در مدیریت افکار، بی‌اطلاعی از ضررها و منافع خود، وابستگی وجودی، فقر محض، وجود تهی، کاستی‌ها، نقص‌ها، عیب‌ها، «نفس فانیه» که طعم مرگ را می‌چشد، ردایل نفسانی، اخلاق ناپسند، ملکات مذموم اقتباس شده است. بر



اساس میزان وجود این ضعف‌ها در افراد، سطوح مختلف هویت دینی بروز می‌کند و هویت دینی از غیردینی متمایز می‌شود. این یافته با پژوهش‌های دیگر تفاوت دارد و آسیب‌پذیری به عنوان یک مؤلفه مطرح نشده است. در نهایت، این پژوهش ساختار هویت دینی را بر پایه شواهد نظری نشان می‌دهد.

**محدودیت‌های پژوهش:** این مؤلفه به صورت نظری مطرح شده است و عملیاتی نشده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی با استفاده از یک پرسش‌نامه، این مؤلفه‌ها به صورت عملیاتی سنجیده شود. این مؤلفه‌ها از منابع اسلامی استخراج شده است و معلوم نیست که آیا این ساختار برای بزرگسالان است، یا برای نوجوانان نیز همین ساختار صادق است. پیشنهاد می‌شود این ساختار برای محدوده‌های سنی مختلف ارزیابی شود.



## منابع

قرآن کریم.

- احسانی، محمد (۱۳۹۴)، شاخصه‌های رفتاری هویت دینی در بعد اجتماعی از منظر قرآن، پایان‌نامه دکتری رشته قرآن و علوم تربیتی، قم: جامعه المصطفی‌العالمیه.
- آخوندی، محمدباقر (۱۳۸۳)، هویت ملی - مذهبی جوانان، قم: بوستان کتاب.
- تمیمی‌امدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری هرندی، رضا؛ نصر، احمدرضا و میرشاه جعفری، سیدابراهیم (۱۳۸۷)، «تحلیل محتوا روش پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۵، ص ۳۳-۵۸.
- حبی، محمدباقر؛ کرمی‌نیا، رضا؛ مجدیان، محمد و باصری، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی شاخص‌های هویت‌یابی دینی و ملی در گروه از جوانان شهر تهران»، مجله علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۷۳، ص ۹-۳۵.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- دوران، بهناز؛ آزادفلاح، پرویز؛ فتحی‌آشتیانی، علی و رضاپور، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی مدل شش بعدی فرایند شکل‌گیری هویت»، روان‌شناسی، شماره ۵۹، ص ۳۰۲-۳۱۸.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
- سیدرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۲)، نهج‌البلاغه، بی‌جا: بنیاد نهج‌البلاغه.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۵، ص ۷-۳۸.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۰)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت.
- شهیدثانی، زین‌الدین‌علی‌بن‌احمد (۹۵۴ق، ۱۴۰۹ق)، حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد و العداله، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمدبن بابویه (۱۴۱۳ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
- فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز نشر درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کراسکیان موجدبجاری، ادیس (۱۳۸۱)، تدوین و هنجاریابی پرسش‌نامه هویت دینی برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳الف)، «سنجش رابطه هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، شماره ۴۰، ص ۱۰-۱۳.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۵ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- محدث بندریگی، ابراهیم (۱۳۷۶)، ترجمه المراقبات، تهران: اخلاق.
- محدث نوری (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: مؤسسه آل‌البتی.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۲)، خودشناسی برای خودسازی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- ملکی تبریزی، میرزاواد آقا (۱۳۷۸)، أسرار الصلاة، تهران: پیام آزادی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، شرح چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، «خودشناسی در دیدگاه مولوی»، نوشتهٔ بخشعلی قنبری، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۳۵، ص ۵۸-۶۴.
- نوری، نجیب‌الله؛ عسگری، علی؛ نارویی نصرتی، رحیم و شجاعی، محمداصداق (۱۳۹۵)، «ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، شماره ۳۶، ص ۲۴-۳۴.
- Bell, M. David (2009). Religious identity: Conceptualization and measurement of the religious self, (A dissertation Doctor of Philosophy), Emory University.
- Bell, N. J. (2013). Dialogic processes of self-transformation: The sample case of eating disorder recovery. Identity: An International Journal of Theory and Research, 13, 46-72.
- Bernstein, M. (2005). Identity politics. Annual Review of Sociology, 31, 47-74.
- Berzonsky, M. D. (2011). A social-cognitive perspective on identity construction. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research (pp. 267-283). New York: Springer.
- Berzonsky, M. D. (1988). Self-theorists, identity status, and social cognition. In D. K. Lapsley & F. C. Power (Eds.), Self, ego, and identity: Integrative approaches (pp. 243-262). New York: Springer.
- Bosma, H. A. (1985). Identity development in adolescence: Coping with commitments. Groningen, The Netherlands: University of Groningen Press.
- Cheek, Jonathan, Shannon Smith & Linda Tropp (2002). Relational identity orientation; a fourth scale for the AIQ, (Annual Meeting), February 2002, Savannah, GA.
- Crocetti, E.; Rubini, M.; & Meeus, W. (2007) Capturing the dynamics of identity formation in various ethnic groups: Development and validation of a Three-Dimensional Model. Journal of Adolescence, doi:10.1016.
- Erikson, E. H. (1968). Identity: Youth and crisis. New York: Norton.
- Grotevant, H. D. (1987). Toward a process model of identity formation. Journal of Adolescent Research, 2, 203 -222.
- Hammack, P. L. (2010). Identity as burden or benefit? Youth, historical narrative, and the legacy of political conflict, Human Development, 53, 173-201.
- Hardy, S. A. and G. Carlo (2011). Moral Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research, New York: Springer.
- James, W. (1890). The principles of psychology. New York: Henry Holt.
- James, William (1985). Psychology, the briefer course (G. Allport Ed.) south Bend, IN: university of Ntere Dame press. (original published 1892).
- Kerpelman, J. L., & Lamke, L. K. (1997). Anticipation of future identities: Acontrol theory approach to identity development within serious dating relationships. Personal Relationships, 4, 47- 62.
- Kurtines, W. M. (1999). Aco - const ructivist perspective on human behavior and development. Manuscript submitted for publication.
- Luyckx, K.; Schwartz, S. J.; Berzonsky, M. D; Soenens, B.; Vansteenkiste, M.; & Goossens, L.

- (2008) Capturing ruminative exploration: Extending the Four-Dimensional Model of Identity Formation in late adolescence. *Journal of Research in Personality* 42, (1), 58- 82.
- Lyons, John (2009). *Linguistic Semantics: An Introduction*, Cambridge University Press, First published in 1981.
- Marcia, J. E. (1989). Identity diffusion differentiated. In M.A. Luszcz & T. Nettelbeck (Eds.), *Psychological development: Perspectives across the life-span* (pp. 123–137). Dordrecht, the Netherlands: Elsevier.
- Marcia, J. E. (1993). The ego identity status approach to ego identity. In J. E. Marcia, A. S. Waterman, D. R. Matteson, S. L. Archer, & J. L. Orlofsky (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research* (pp. 1–21). New York: Springer-Verlag.
- Marcia, James, E. (1966). Development and validation of ego identity status, *Journal of personality and social psychology*, 3, 5, 551-558.
- Marcia, James, E. (1980). "Identity in adolescent" the chapter five in Adver, J. (1980). *Handbook of adolescent*, New York.
- McAdams, D. P. (1985). *Power, intimacy, and the life story: Personological inquiries into identity*, Homewood, IL: Dorsey Press.
- McAdams, D. P. (2011). Narrative Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- Roeser, R. W., S. C. Peck, and N. S. Nasir. (2006). Self and identity processes in school motivation, learning, and achievement. In P. A. Alexander, P. R. Pintrich, and P. H. Winne, eds. *Handbook of educational psychology*, 2nd ed., 391–424. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Seol, Kyoung, OK (2010). Religious identity as a mediator between religious socialization from parents, peers, and mentors and psychological well-being and adjustment among Korean American adolescents, A Dissertation for the degree of doctor of philosophy, Richard M. Lee, Ph.D. Adviser, submitted to the faculty of the Graduate school of the university of Minnesota.
- Schwartz, S.J., Koen Luyckx, and Elisabetta Crocetti (2014). What Have We Learned Since Schwartz (2001): A Reappraisal of the Field of Identity Development, in McLean, K.C. and M Syed (2014). *The Oxford Handbook of Identity Development*, first published, New York, Oxford University Press.
- Serpe R. T. and Stryker S. (2011) The Symbolic Interactionist Perspective and Identity Theory, in S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 267–283). New York: Springer.
- Seul, Jeffrey R. (1999) Ours Is the Way of God': Religion, Identity, and Intergroup Conflict, *Journal of Peace Research*, 36, 5, 553-569.
- Vignoles, V.L., S. J. Schwartz, and K. Luyckx (2011). Introduction: Toward an Integrative View of Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- Waterman A.S (2011) Eudaimonic Identity Theory: Identity as Self-Discovery, in: S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*. New York: Springer.
- Waterman A.S (2014). Identity as Internal Processes: How the "I" Comes to Define the "Me", in McLean, K.C. and M Syed, *The Oxford Handbook of Identity Development*, first published, New York, Oxford University Press.